

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۳ ♦ بهار ۱۳۹۳  
صفحات: ۱۰۹-۱۳۰ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۱۷ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۳/۰۱



## توحید و شرک از دیدگاه استاد مطهری و سید قطب

مجید فاطمی‌نژاد\*

### چکیده

مطهری و سید قطب در تعریف و اقسام توحید و شرک وجه نظر مشترکی دارند. گرچه سخنان سید قطب در این باره متشکلت است، ولی از برخی کتب و نیز از تفسیر *فی ظلال القرآن* و بررسی آیات توحیدی آن می‌توان چنین استنباط کرد که وی توحید را از دو منظر عقیده و عمل بررسی کرده و توحید در عقیده را به دو قسم ذاتی و صفاتی، و توحید عملی را نیز به دو قسم فاعلی و عبادی تقسیم می‌کند. آنچه برای وی بسیار اهمیت دارد، توحید در حاکمیت است که پیونددهنده توحید عقیده به عمل است، بدین معنا که چون توحید الهی است، باید حاکم نیز واحد باشد و اطاعت و بندگی هم فقط باید برای او باشد. لذا وی اطاعت از حاکم و طاعت را نوعی شرک می‌پندارد. مطهری نیز اطاعت از طاغوت را نوعی شرک می‌داند، ولی معیار توحید و شرک را در توحید نظری «از اویی» و در توحید عملی «به سوی اویی» تفسیر می‌کند و اطاعت از حاکم را رابطه تسخیر طرفینی می‌داند و فقط شرک جلی را مستحق کفر می‌شمرد، برخلاف سید قطب که با استفاده از توحید در حاکمیت، عمل‌گرایی در اسلام را معیار مسلمان بودن فرد می‌داند. لذا اطاعت از حاکم و طاعت را در زمره شرک جلی قرار می‌دهد و برای تمام آنها حکم کفر را مترتب می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** مرتضی مطهری، سید قطب، توحید، شرک، حاکمیت خداوند.

## ◆ مقدمه

یکتاپرستی اساس دعوت پیامبران آسمانی را در طول تاریخ تشکیل می‌دهد؛ یعنی همه انسان‌ها باید خدای یگانه را بپرستند و از پرستش موجودات دیگر بپرهیزند. خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾؛<sup>۱</sup> در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم که خدا را بپرستند و از هر معبودی جز خدا بپرهیزند. و یا می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾؛<sup>۲</sup> پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر اینکه به او وحی کردیم جز من معبودی نیست و مرا بپرستید.

بسیاری از اندیشمندان اسلامی سده بیستم توحید را اصل محوری یا معرف اسلام به شمار آورده‌اند.<sup>۳</sup> و توحید در عبادت را به مثابه اصلی مسلم و استوار در میان مسلمانان پذیرفته‌اند، که احدی با آن مخالفت نکرده است و هیچ فرد مسلمانی نمی‌تواند آن را انکار کند و اگر اختلافی در میان باشد، مربوط به مصادیق است؛ یعنی گروهی از مسلمانان برخی از افعال را جایز، و طوایف دیگر آن را شرک می‌شمارند.<sup>۴</sup> به تعبیر دیگر، نزاع در این است که آیا این کار عبادت است یا نه؟ لذا می‌بینیم در این حیطه کتاب‌ها و مقالات فراوانی نگاشته شده است. در این مقاله می‌کوشیم با بیان مفهوم و اقسام توحید و شرک از دیدگاه دو اندیشمند بزرگ جهان اسلام، یعنی شهید مطهری و سید قطب،<sup>۵</sup> این موضوع را بکاویم تا حقیقت توحید و شرک از دیدگاه آنها روشن شود.

۱. نحل (۱۶): ۳۶.

۲. انبیاء (۲۱): ۲۵.

۳. اسپوزیتو، جان ال.، دائرة المعارف نوین جهان اسلام، ج ۲، ص ۲۵۴.

۴. نزار آل سنبل القطیفی، توحید/العباده، ص ۱۴.

۵. مطهری از روشنفکران و اندیشمندان بزرگ امامیه به شمار می‌رود و سید قطب از روشنفکران بزرگ اهل سنت و رهبر فکری سلفیون جهادی است.

### ♦ معنای توحید

توحید در لغت، مصدر فعل «وَحَّدَ يُوَحِّدُ» است، به معنای یکتا قرار دادن و یگانه دانستن چیزی.<sup>۱</sup> از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می‌شود که جزء ندارد.<sup>۲</sup> و با توجه به همین معنا، توحید یعنی تنها قرار دادن یک چیز.<sup>۳</sup> در مباحث خداشناسی، توحید به معنای یکتاپرستی، یگانگی خدا، تنها و بدون شریک بودن خداست؛ چنان که ابن‌اثیر می‌گوید: «در میان اسمای خدا، اسم "واحد" به این معناست که خدا فردی است که همواره تنها و واحد بوده و هیچ چیز با او نبوده است».<sup>۴</sup>

### ♦ فصل اول: دیدگاه‌های سید قطب

#### ♦ مفهوم توحید

تمام ادیان و مذاهب الهی، از جمله سلفیه، توحید را پایه و اساس دین می‌دانند.<sup>۵</sup> سید قطب می‌گوید:

پایه اساسی اعتقاد که فرائض بدان برمی‌گردد و حقوق و واجبات از آن سرچشمه می‌گیرد و پایه اساسی که باید قبل از هر چیز دیگری ساخته و پرداخته شود، این است و واجب است مردم به الوهیت در همه امور زندگی‌شان به الوهیت خدای یگانه اعتراف کنند و باید در قلب و جان خود به ربوبیت او اعتراف کنند و کسی را شریک او نگردانند و این امر محقق نمی‌شود، مگر با زدودن دل از هر گونه شرکی، و پاکیزه داشتن

۱. ابن‌منظور، جمال‌الدین، *لسان‌العرب*، ماده وحد؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *قاموس‌المحیط*، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲. راغب، حسین، *مفردات*، ص ۵۵۱.

۳. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج‌العروس*، ج ۵، ص ۲۹۸.

۴. ابن‌اثیر، ابوالحسن، *النهایه فی غریب‌الحديث*، ج ۵، ص ۱۵۹.

۵. ابن‌تیمیه، احمد، *مجموع فتاوی*، ج ۱، ص ۱۵۴.

عقل و خرد از هر خرافاتی، و تمیز کردن جامعه از هر رسم و آداب جاهلی، و پاک داشتن زندگی از پرستش بندگان برای بندگان.<sup>۱</sup>

وی در اوایل سوره آل عمران به مفهوم توحید خداوند می‌پردازد و معتقد است حقیقت توحید مستلزم مصداقی است که باید در زندگی بشری واقعیت داشته باشد. وی با استفاده از آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۲</sup> حقیقت توحید را به حقیقت اسلام گره می‌زند و می‌گوید «دین اسلام تنها یک دین تصوّری برای عقل و یا یک دین تصدیقی برای قلب نیست، بلکه اسلام عبارت است از عمل به حقیقت این تصدیق و آن تصوّر و حاکم کردن قانون خدا در همه کار و پیروی از پیغمبر خدا در اجرای قوانین او».<sup>۳</sup> پس حقیقت توحید را می‌توان عمل به احکام و قوانین خداوند تفسیر کرد؛ همان‌طور که وی در قسمتی دیگر از کتاب خود، به بیانی دیگر می‌گوید:

حقیقت توحید از دو بخش امر و نهی یا نفی و اثبات تشکیل شده که این دو آیه «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»<sup>۴</sup> و «الْأَتَّعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ»<sup>۵</sup> است و مدلول آیه اوّل، پرستش خداوند تعالی و عدم لیاقت غیر او برای پرستش و عبادت شدن است و مدلول آیه دوم به نهی از عبادت غیر خداوند اشاره دارد.<sup>۶</sup>

سید قطب با استفاده از آیه نهی، حقیقت توحید را به گونه‌ای با توحید عملی پیوند می‌زند و ذیل آیه «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»<sup>۷</sup> گام اول برای توحید را اقرار به شهادتین می‌داند و می‌گوید: «خداوند متفرد به الوهیت و قوامیت است و نخستین چیزهایی که مستلزم اقرار بدین حقیقت است، اقرار به عبودیت خداست و بس»؛ و بعد گامی فراتر از

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۸۲۷.

۲. آل عمران (۳): ۱۹.

۳. سید قطب، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۰.

۴. اعراف (۷): ۵۹ و ۸۵.

۵. هود (۱۱): ۲.

۶. سید قطب، پیشین، ج ۴، ص ۲۷۵.

اقرار برمی دارد و می گوید: «فقط اقرار به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بدان هم عمل کنیم».<sup>۱</sup>

### ♦ اقسام توحید از نظر سید قطب

ابن تیمیه و بیشتر متفکران بزرگ وهابی، توحید را به سه قسم تقسیم کرده اند: ۱. توحید ربوبی؛ ۲. توحید الوهی؛ ۳. توحید در اسما و صفات.<sup>۲</sup> در اینجا توحید ربوبی همان توحید افعالی خداوند است و توحید اسما و صفات اشاره به توحید ذاتی و صفاتی دارد. نکته مهم این است که ابن تیمیه توحید الوهی را به معنای توحید در عبادت گرفته و اله را به معنای معبود دانسته و گفته: «وَالْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِأَنْ يَعْْبُدَ اللَّهَ وَ يَفْعَلَ مَا أَمَرَ بِهِ، وَهُوَ تَوْحِيدُ الْأُلُوهِيَّةِ».<sup>۳</sup>

ولی از عبارات سید قطب چنین استفاده می شود که وی توحید را از دو منظر تقسیم کرده است: ۱. توحید در عقیده؛ ۲. توحید در عمل، و نیز به نظر وی توحید در عقیده به دو قسم توحید در ذات و توحید در صفات، و توحید در عمل نیز به دو قسم توحید در افعال و توحید در عبادت تقسیم می شود.

### ۱. توحید در ذات

سید قطب ذیل سوره اخلاص و حدید، به این مطلب اشاره می کند و معتقد است وجود خداوند یکی است و حقیقتی به جز حقیقت او نیست و هیچ وجود حقیقی به جز وجود حقیقی او نیست و تمام موجودات، حقیقت وجودشان به وجود حقیقی او منتهی می شود و از همین جاست که توحید فاعلی خداوند نشئت می گیرد. پس غیر او هیچ فاعلی در این وجود نیست.<sup>۴</sup> به همین جهت است که ما می بینیم معارضان سید قطب،

۱. همان، ج ۱، ص ۳۴۵.

۲. بیشتر علمای سلفی امروز نیز همین تقسیم را پذیرفته اند. برای توضیح بیشتر می توان به مجموع فتاوی ابن عثیمین، ج ۹، ص ۴ و موسوعه آلبانی، ج ۲، ص ۷۱ و مجموع فتاوی بن باز، ج ۶، ص ۲۱۵ رجوع کرد.

۳. ابن تیمیه، احمد، الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۴۲۱؛ همو، مجموعه التوحید، ص ۵-۶؛ محمد بن جمیل زینو، منهاج الفرقه الناجیه، ص ۱۸ و ۱۹؛ بن باز، عبدالله، مجموعه الفتاوی و المقالات، ج ۶، ص ۲۱۵.

۴. سید قطب، پیشین، ج ۶، ص ۴۰۲.

وی را از معتقدان به «وحدت وجودی» می‌شمرد و حتی برخی به وی نسبت کفر هم می‌دهند.<sup>۱</sup>

## ۲. توحید در صفات

سید قطب تمام صفاتی را که به حقیقت الوهیت مربوط می‌شود، از وحدانیت و قدرت و سرمدیت و تدبیر و ... امور تغییرناپذیر و مختص خداوند می‌داند و کسی را در آنها شریک او نمی‌خواند.<sup>۲</sup> وی صفات سلبیه را جزء صفات خداوند نمی‌داند؛ چراکه معتقد است صفات کمالی قابل سلب نیستند.<sup>۳</sup> از نظر وی، چون الوهیت واحد است، پس سلطنت و حاکمیت و برتری هم باید واحد باشد و هیچ کس در آنها شریک نیست. وی با بیان اینکه قدرت مطلق و قیمومیت و حاکمیت و مالکیت و ... فقط از آن خداست، می‌گوید تمام اینها از حقیقت واحدی به نام حقیقت الوهیت سرچشمه می‌گیرد.<sup>۴</sup>

آنچه در توحید صفاتی از منظر سید قطب سزاوار بررسی است، توحید ربوبی و توحید در حاکمیت است. واژه «رب» به اعتقاد مفسران پیوندی ناگسستنی با تمام معارف قرآن دارد،<sup>۵</sup> و مدار تبلیغ پیامبران و محور درگیری آنان با دشمنان از دیدگاه سید قطب است.<sup>۶</sup> وی در تعریف کلمه «رب»، آن را به معنای مالکی دانسته است که در همه امور مملوک خود تصرف می‌کند تا به اصلاح و تربیت آن پردازد.<sup>۷</sup> سید قطب توحید در ربوبیت را جدا از توحید در حاکمیت نمی‌داند و معتقد است ربوبیت خداوند به معنای قیمومت و حاکمیت بر انسان‌هاست و اداره زندگی انسان‌ها با شریعت و فرمان

۱. برای اطلاع بیشتر نک.: مدخلی، ربیع، *أضواء إسلامية على عقيدة سيد قطب وفكره*، ص ۶۶؛ احمد،

عبدالمجید، «سید قطب بین مؤیدیه و معارضیه»، ص ۷.

۲. سید قطب، *خصائص التصور الاسلامی و مقوماته*، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۱۵۸.

۴. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۳۸۴.

۵. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، ج ۱، ص ۳۵۲.

۶. سید قطب، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۴۵، بر خلاف وهابیت که معتقدند علت ارسال پیامبران توحید عبادی است،

نه توحید ربوبی (ابن تیمیه، احمد، *درء التعارض*، ج ۹، ص ۳۴۴؛ همو، *الاستقامه*، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ج ۲، ص ۳۱)

۷. همان، ج ۱، ص ۲۳.

خداوند باید تفسیر شود.<sup>۱</sup> لذا در تفسیر لاله الا الله می گوید: یعنی لا حاکم إلا الله و لا مشرع إلا الله و ...<sup>۲</sup> سلفیون معتقدند اصطلاح حاکمیت، در سلف به کار نرفته، بلکه در دوره متأخر به وجود آمده که علمای سلفی چون صالح العثیمین<sup>۳</sup> و بن باز آن را برای «ما انزل الله» تعبیر کرده‌اند.<sup>۴</sup>

### ۳. توحید فاعلی

همان‌طور که در تفسیر سوره اخلاص گذشت، سید قطب معتقد است توحید فاعلی خداوند نشئت گرفته از حقیقت وجودی اوست. پس غیر او هیچ فاعلی در این وجود نیست.<sup>۵</sup> او در جایی دیگر افعال خداوند را ظهور صفات حقیقی خداوند می‌داند و می‌گوید: صفات خدای سبحان، الهام‌گر فاعلیت ایجابی‌اند و آن را به تصویر می‌کشند. وی ذیل آیه ﴿وَمَا تَنْصُرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾<sup>۶</sup> می‌گوید: «روند قرآنی می‌کوشد همه کارها را به خدا برگرداند، و جملگی امور را به مشیت مطلقه خداوند واگذار کند».<sup>۷</sup> بنابراین مراتب توحید از نظر سید قطب را می‌توان در تمام مراحل توحید یافت و مهم برای وی توحید در حاکمیت است و آن را راه پیوند توحید نظری و قلبی به توحید عملی می‌داند و معتقد است اله، واحد است و فاعل فقط اوست. لذا حاکم و سلطان فقط اوست و فقط او باید اطاعت و پرستش شود.<sup>۸</sup>

### ♦ توحید در عبادت

توحید در عبادت بدین معناست که عبادت شدن، منحصر به خداوند است. این

۱. سید قطب، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۶۰.

۲. همو، خصائص التصور الاسلامی، ص ۲۰۵؛ همو، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۱۰۰۶؛ همو، معالم فی الطريق، ص ۱۹.

۳. عثیمین، محمد بن صالح، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۰.

۴. فالح، عامر عبدالله، معجم الفاظ العقیده، ص ۱۰۹ و ۱۲۹.

۵. همان، ج ۶، ص ۴۰۰۲.

۶. آل عمران (۳): ۱۲۶.

۷. همان، ج ۱، ص ۴۷۰.

۸. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۲۰۴.

اصل مورد قبول و وفاق تمام ادیان الهی است<sup>۱</sup> و در این اصل کلی تردید و اختلافی نیست، بلکه اختلاف در بعضی مصادیق و موارد چون زیارت و توسل است که اگر عبادت محسوب شود، بدون تردید حرام و شرک است و اگر احترام و تکریم باشد، جایز و بلکه مستحب است.<sup>۲</sup>

از کلمات سید قطب در این باب استفاده می‌شود که حقیقت توحید، از نظر وی توحید عبادی است که مهم‌ترین رکن آن توحید در حاکمیت است. به زعم وی، توحید صرفاً دلالت بر خضوع و خشوع خداوند ندارد، بلکه بر این نیز گواهی می‌دهد که حکومت‌ها باید بر پایه شریعت اسلامی استوار باشند.<sup>۳</sup> وی معتقد است چون الوهیت خداوند واحد است، حاکمیتش و قیومیتش و ... نیز باید واحد باشد و فقط او باید حاکم و سلطان باشد. لذا عبادت و اطاعت هم فقط مخصوص اوست.<sup>۴</sup> از نظر وی، ماهیت عبادت فقط انجام فرائض و اعمال شعائر نیست، بلکه عبادت به معنای تبلور بندگی در حاکمیت خداوند است. او می‌گوید:

عبادت منحصر در معنای انجام شعائر و مراسم پرستش و بندگی نیست؛ چراکه اگر چنین می‌بود، شایسته نبود این همه پیامبر برای آن بیایند و آن همه تلاش و کوشش و رنج‌های طاقت‌فرسا صرف آن گردد. آن چیزی که سزاوار این بهای سنگین است، بیرون آوردن همه انسان‌ها از پیروی بندگان و برگرداندن ایشان است به سوی خدای یگانه در همه کارها و در سراسر برنامه‌های زندگی این جهان و آن جهان. پیامبران برای توحید الوهیت، توحید ربوبیت، توحید حاکمیت و توحید برنامه زندگی آمدند.<sup>۵</sup>

به نظر وی، انکار توحید حاکمیت، به اطاعت و پرستش طاغوت‌ها و قوانین

۱. سبحانی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، ص ۶۲.

۲. همو، مرزهای توحید و شرک، ص ۴۳.

۳. سید قطب، خصائص التصور الاسلامی، ص ۴۵.

۴. همو، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۲۰۴.

۵. همان، ج ۶، ص ۷۵۷.

غیرشریعت الاهی می‌انجامد و این نیز با فطرت انسان‌ها که فقط خاستگاه خدای واحد است، منافات دارد.<sup>۱</sup> وی هر نوع اطاعت از کسی یا دل‌بستگی به چیزی را منافات با حاکمیت و سلطنت خداوند قلمداد می‌کند و آن را عبادت و پرستش کردن غیرخدا می‌شمرد.<sup>۲</sup>

### ♦ آثار و ویژگی‌های توحید

به نظر سید قطب، آیه «لا اله الا هو»، آثار ملازم حقیقت توحیدی را اقرار به عبودیت خداوند تعالی می‌داند و بس؛ یعنی حاکم دانستن فرمان او درباره همه امور بندگان، و تسلیم و پیروی‌شان از کتاب او و پیغمبر او.<sup>۳</sup> اگر انسان موحد حقیقی باشد، آثار فراوانی بر آن مترتب می‌شود که عبارت است از:

۱. باعث دگرگون ساختن زندگی بشر است. مسلمان معتقد است جز او خدایی نیست. از این‌رو در خواهش‌ها، امیدها، بیم‌ها و پرهیزها فقط رو به سوی خدا می‌آورد.
۲. انضباط و خودداری در قلب و عقل انسان ایجاد می‌کند و در رفتار و ادراکات و ارزش‌ها و عقیده، او را متزلزل نگه نمی‌دارد.
۳. باعث استقامت و راست‌گویی در دل و عقل انسان می‌شود.

۴. این آیین عهده‌دار تمرکز شخصیت و انرژی فرد و جامعه مسلمان می‌شود.
  ۵. باعث می‌شود بشر، هم در قوانین مربوط به زندگی و هم در تشریفات مربوط به عبادات، به غیر خدا روی نیاورد؛ همان‌طور که خداوند تعالی می‌فرماید:
- ﴿ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴾<sup>۴</sup>؛ این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی

۱. همان، ج ۴، ص ۱۹۶۰.

۲. همان، ج ۶، ص ۷۶۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۰.

۴. یوسف (۱۲): ۴۰.

(بی‌مسماً) که شما و پدران‌تان آنها را خدا نامیده‌اید، نیستند. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده است. حکم تنها از آن خداست. فرمان داده که غیر او را نپرستید. این است آیین پابرجا، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

### ♦ شرک

با بیانی که از توحید شد، حقیقت شرک نیز از دیدگاه سید قطب روشن می‌شود. وی درباره شرک می‌گوید: «شرک به خداوند به مجرد اعطای حق تشریع و حاکمیت برای غیرخداوند تعالی محقق می‌شود؛ اگرچه به الوهیت خداوند اعتقاد داشته باشند».<sup>۱</sup> وی به دلیل اینکه برای حاکمیت خداوند اهمیت قائل است، معتقد است اگر کسی حاکم و سلطانی به غیر خداوند را اتخاذ و از او پیروی و اطاعت کند، مشرک است.<sup>۲</sup> می‌گوید: «قرآن از قوانین اجتماعی و احکام زمینی که امروزه بر این کره خاکی حاکم می‌شود تعبیر به شرک می‌کند و این شرک با همان شرک بت‌پرستان یکسان است؛ چون شرک در اعتقاد با شرک در شعائر فرقی نمی‌کند و همه آنها خروج از توحیدی است که از آن به لاله الا الله تعبیر می‌شود»؛<sup>۳</sup> و بر همین اساس نسخه هجرت و جهاد را برای تمام حاکمان و مسلمانان جهان می‌پیچد و ما برای نقد کلمات وی فقط به کلام استاد مرتضی مطهری اکتفا می‌کنیم.

### ♦ نتیجه

به نظر سید قطب، تمام اقسام توحید به توحید عبادی برمی‌گردد که متبلور از توحید ربوبی است و یکی از مهم‌ترین لوازم آن توحید در حاکمیت و سلطنت خداوند است. بنابراین سخت‌گیری وی در معنا و حقیقت عبادت، از آنجا ناشی می‌شود که اولاً، معتقد است پیروی از هر حاکم یا سلطانی، مخالف با حاکمیت خدا و شرک به

۱. همو، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۶۴.

۲. همو، معالم فی الطريق، ص ۳۹.

۳. همو، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۴۱.

اوست. لذا اعمال ما باید به گونه‌ای باشد که مخالف با حاکمیت خداوند نباشد. ثانیاً، معتقد است حقیقت عبادت و پرستش، در عمل مجسم می‌گردد.<sup>۱</sup> وی می‌گوید:

اگر کسی به همه مختصات و ویژگی‌های الوهیت، که عبارت است از  
 ۱. اعتقاد قلبی به الوهیت خداوند، ۲. روی آوردن به سوی او با انجام  
 دادن شعائر تعبیدی، ۳. متدین بودن به حاکمیت او در فرمان‌برداری از او،  
 یک‌جا و فقط برای خدا اعتراف نکند، کافر است؛ چراکه این امر یکی از  
 اصول عام و کلی است که از ضروریات و بدیهیات دین به حساب  
 می‌آید.<sup>۲</sup>

بنابراین، توحید الاله از نظر سید قطب مفهوم بسیط و قلبی صرف نیست، بلکه آثار و مقتضیاتی دارد که در توحید اعتقادی، توحید حاکمی و توحید در عبادت متبلور است. لذا حقیقت توحید از نظر وی عمل‌گرایی در اطاعت و بندگی خداوند است که حاکی از حکومت و سلطنت اوست و نیز اجتناب از حکومت طاغوت یا مبارزه با آن است.

## ♦ فصل دوم: دیدگاه شهید مطهری

### ♦ توحید و شرک

از آنجایی که مرتضی مطهری، فیلسوف، عالم، اسلام‌شناس و متعهد به فرامین الهی بود، بحث توحید و شرک از دیدگاه ایشان از نظم منطقی و دقیق‌تری برخوردار است. وی در کتاب توحید<sup>۳</sup> خود به اثبات وجود خداوند تعالی پرداخته و براهین متعددی ذکر کرده است؛ به طوری که در ضمن آنها توحید خداوند تعالی نیز اثبات می‌شود. همچنین در کتاب جهان‌بینی توحیدی مباحث دقیق‌تر و مبسوط‌تری در باب توحید و شرک ارائه می‌دهد.<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۶، ص ۳۷.

۲. سید قطب، مبانی تفکر اسلامی، ص ۲۲۹.

۳. نک: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴.

۴. برای تفصیل نک: همان، ج ۲، ص ۱۰۱، ۱۰۶.

## ♦ مراتب توحید

مطهری توحید را به اقسامی تقسیم کرده است:

۱. **توحید ذاتی:** توحید ذاتی، یعنی شناختن ذات حق به وحدت و یگانگی.<sup>۱</sup> نخستین شناختی که هر کس از ذات حق دارد، غنا و بی‌نیازی اوست؛ یعنی او ذاتی است که در هیچ جهتی به هیچ موجودی نیازمند نیست و به تعبیر قرآن «غنی» است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ». <sup>۲</sup> به تعبیر حکما، خدا واجب‌الوجود است.<sup>۳</sup> دیگری مبدئیت و منشئیت و آفرینندگی اوست. او مبدأ و خالق موجودات دیگر است. موجودات همه «از او» هستند و او از چیزی نیست و به تعبیر حکما «علت اولی» است.<sup>۴</sup> و به تعبیر دیگر، جهان هستی، یک قطبی و یک کانونی و تک‌محوری است.<sup>۵</sup>

۲. **توحید صفاتی:** توحید صفاتی یعنی درک و شناسایی ذات حق به یگانگی عینی با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر. توحید ذاتی به معنای نفی ثانی داشتن و نفی مثل و مانند داشتن است و توحید صفاتی به معنای نفی هر گونه کثرت و ترکیب از خود ذات است. ذات خداوند در عین اینکه به اوصاف کمالی جمال و جلال متصف است، جنبه‌های مختلف عینی ندارد. مطهری با تمسک به جملاتی از نهج‌البلاغه چنین نتیجه می‌گیرد که هم برای خداوند اثبات صفت شده است «الَّذِي لَيْسَ لْصِفَةِ حَد مَحْدُودٌ» و هم از او نفی صفت شده است؛ پس توحید صفاتی، یعنی درک و شناختن یگانگی ذات و صفات حق.<sup>۶</sup>

۳. **توحید افعالی:** توحید افعالی یعنی درک و شناختن اینکه جهان با همه نظامات و سنن و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل او و کار او و ناشی از اراده اوست.

۱. جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، ص ۲۰۱.

۲. فاطر (۳۵): ۱۵.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۰۵.

۴. جوادی آملی، عبدالله، رَحِیق مَخْتُوم، ج ۱ و ۲، ص ۱۸۶.

۵. مطهری، مرتضی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۱.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۰۲.

موجودات عالم، همچنان که در ذات استقلال ندارند، در مقام تأثیر و علیّت نیز استقلال ندارند و همه قائم به او و وابسته به او هستند و خداوند به تعبیر قرآن، «قِیَوْم» همه عالم است و در نتیجه خداوند همچنان که در ذات شریک ندارد، در فاعلیّت نیز شریک ندارد.<sup>۱</sup>

۴. **توحید در عبادت:** وی ابتدا مراتب سه‌گانه‌ای را که در بالا گفته شد، از نوع توحید نظری و شناختن می‌داند، ولی توحید در عبادت را توحید عملی و از نوع «بودن» و «شدن» می‌خواند. به عبارتی دیگر، توحید عملی یا توحید در عبادت، یعنی یگانه‌پرستی، نه فقط در اعتقاد، بلکه باید در عمل هم خدا را پرستش کرد<sup>۲</sup> و به قول عبدالله جوادی آملی، توحید در برنامه‌های عملی آنگاه ظهور می‌کند که انسان در آغاز و پایان هر کاری «خدا» بگوید: «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ».<sup>۳</sup> مطهری پرستش را یک عکس‌العمل و نوعی رابطه خاضعانه و ستایش‌گرانه و سپاس‌گزارانه در برابر صفات توحیدی خداوند می‌داند که انسان فقط با خدای خود چنین رابطه‌ای برقرار می‌کند.<sup>۴</sup> وی عبادت و اعمال انسان را بر دو قسم می‌کند و می‌فرماید:

پرستش یا قولی است یا عملی. پرستش قولی عبارت است از یک سلسله جمله‌ها و اذکار که به زبان می‌گوییم؛ مانند قرائت حمد و سوره و اذکاری که در رکوع و سجود و تشهد نماز می‌گوییم و ذکر لیبیک که در حج می‌گوییم. پرستش عملی مانند قیام و رکوع و سجود در نماز یا وقوف عرفات و مشعر و طواف در حج. غالباً عبادت‌ها، هم مشتمل است بر جزء قولی و هم بر جزء عملی؛ مانند نماز و حج که هم بر جزء قولی مشتمل‌اند و هم بر جزء عملی.<sup>۵</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، پیشین، ج ۳، ص ۳۹۰.

۳. جوادی آملی، عبدالله، مبانی اخلاق در قرآن، ص ۵۴.

۴. علامه طباطبایی ذیل آیه «الَّتِیْ تَعْبُدُوْا اِلَّا اللّٰهَ»، در ج ۱۰، ص ۲۰۹، به خوبی این معنا را اثبات کرده‌اند.

۵. مطهری، مرتضی، پیشین، ج ۲، ص ۹۴.

روشن‌ترین مراتب عبادت، به جا آوردن مراسم تقدیس و تنزیه است که اگر برای غیرخدا باشد، مستلزم خروج کلی از جرگه اهل توحید و اسلام است، ولی از نظر اسلام پرستش منحصر به این مرتبه نیست و هر نوع جهت اتخاذ کردن، ایدئال گرفتن و قبله معنوی قرار دادن پرستش است. کسی که هواهای نفسانی خود را جهت حرکت و قبله معنوی خود قرار دهد، آنها را پرستیده است: «أَزَايْتُ مِنَ اتِّخَاذِ الْهَوَاةِ»<sup>۱</sup>. همچنین «أَنْ كَسَ كَهِ امْرُؤٍ وَفَرَمَانَ شَخْصٍ دِيْغَرَ رَا كَه خَدَا بَه اطَاعَتِ او فَرَمَانَ نَدَادَه، اطَاعَتِ كُنْد وَ دَر بَرَابَرِ اَنْ تَسْلِيْمَ مُحَضَّ بَاشَد، او رَا عِبَادَتِ كَرْدَه اسْت»؛ «اتَّخَذُوا اٰخْبَارَهُمْ وَرُؤَسَايَاهُمْ اَزْآبَاً مِنْ دُونِ اللّٰهِ»<sup>۲</sup> و یا می‌فرماید: «وَلَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا اَزْآبَاً مِنْ دُونِ اللّٰهِ»<sup>۳</sup>.

بنابراین، توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی فقط خدا را مطاع و جهت حرکت و آرمان خود قرار دادن، و طرد هر مطاع و جهت و قبله و ایدئال دیگر است؛ یعنی برای خدا خم و راست شدن، برای خدا قیام و برای او خدمت کردن، برای خدا زیستن، برای خدا مردن؛ آنچنان که ابراهیم گفت: «وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنِيفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ»<sup>۴</sup> و یا می‌فرماید: «اِنَّ صَلَوَتِيْ وَنُكْحِيْ وَمَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَبِذَلِكَ اَمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِيْنَ»<sup>۵</sup>.

وی با بیان اینکه ارزش اعمال انسان به نیت و قصد اوست، اعمال انسان‌ها را به حسب آن عمل و نیتی که آن را انجام داده‌اند، دارای مراتب می‌داند.<sup>۶</sup>

۱. فرقان (۲۵): ۴۳: «آیا دیدی آن کس را که هوای نفس خود را خدا و معبود خویش قرار داده است؟».

۲. توبه (۹): ۳۱: «همانا عالمان دینی خود و زاهدان خود را به جای خدا، خدای خویش ساخته‌اند».

۳. آل عمران (۳): ۶۴: «همانا بعضی از ما انسان‌ها بعضی دیگر را خدای خویش و مطاع و حاکم بر خویش قرار ندهیم».

۴. انعام (۶): ۷۹: «روی دل و چهره قلب خود را حق‌گرایانه به سوی حقیقتی کردم که ابداع‌کننده همه جهان علوی و سفلی است. هرگز جزء مشرکان نیستم».

۵. انعام (۶): ۱۶۲: «نماز، عبادتم، زیستنم و مردنم برای خداوند، پروردگار جهان‌هاست. او را شریکی نیست. به این فرمان داده شده‌ام و من اولین تسلیم‌شدگان به حق هستم». مطهری، مرتضی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۱، ۱۰۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۹۶.

## ♦ جامعه توحیدی

مطهری برای رسیدن به یک نظام اسلامی در جهت تکامل انسان و رسیدن به جامعه انسانی و به عبارتی دیگر، برای رسیدن به جامعه توحیدی سه نظریه بیان می‌کند:

۱. نظریه ماتریالیستی: این نظریه بیشتر به ماده اهمیت می‌دهد و مدعی است آنچه فرد انسان را از جنبه روانی و جامعه انسان را از نظر اجتماعی تجزیه و متلاشی می‌کند و به صورت قطب‌های ناهماهنگ درمی‌آورد، تعلق اختصاصی اشیا به انسان (مالکیت) است.

۲. نظریه ایدئالیستی: این نظریه فقط به روان و درون انسان و رابطه انسان با نفس خودش می‌اندیشد و آن را اصل و اساس می‌شمارد.

۳. نظریه رئالیستی: این نظریه معتقد است آنچه انسان را از نظر فردی و اجتماعی تقسیم و تجزیه می‌کند و عامل اصلی تفرقه و تکثیر انسان است، تعلق انسان به اشیاست، نه تعلق اشیا به انسان. اسارت انسان ناشی از «مملوکیّت» اوست، نه «مالکیتش». از این رو برای عامل تعلیم و تربیت، انقلاب اندیشه، ایمان، ایدئولوژی و آزادی معنوی نقش اول را قائل است و معتقد است انسان همچنان که ماده محض نیست، روح محض هم نیست، معاش و معاد توأم با یکدیگرند، جسم و روان در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و در همان حال که باید با عوامل روحی و روانی تفرقه در پرتو توحید در عبادت و حق‌پرستی مبارزه کرد، باید با عوامل تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها، محرومیّت‌ها، ظلم‌ها، اختناق‌ها، طاغوت‌ها و غیر خدا را «رب گرفتن»‌ها به شدّت جنگید.

به نظر مطهری، نظریه اسلام همین (نظریه سوم) است. وی می‌گوید: «اسلام در آن واحد که ندای توحید روانی و درونی در پرتو ایمان به خداوند متعال و یگانه‌پرستی ذات یگانه او را داد، فریاد توحید اجتماعی در پرتو جهاد و مبارزه با ناهمواری‌های اجتماعی را بلند کرد». ایشان در ادامه با بیان آیه «وَلَا تَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ

الله<sup>۱</sup> می‌فرماید: «بعضی از ما انسان‌ها بعضی دیگر را «رب» خود قرار ندهیم - و حال آنکه ربّ همه خداست - به ارباب و بنده تجزیه نشویم. بیاپید آن گونه رابطه‌های اجتماعی غلط را که منجر به این گونه تبعیض‌ها می‌شود، قطع کنیم»<sup>۲</sup>.

از مجموع آنچه گفتیم، روشن شد که توحید عملی، اعمّ از توحید عملی فردی و توحید عملی اجتماعی، عبارت است از یگانه شدن فرد در جهت یگانه‌پرستی خدا و نفی هر گونه پرستش قلبی از قبیل هواپرستی، پول‌پرستی، جاه‌پرستی و غیره، و یگانه شدن جامعه در جهت یگانه‌پرستی حق از طریق نفی طاغوت‌ها و تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها است. فرد و جامعه تا به یگانگی نرسند، به سعادت نایل نمی‌گردند و جز در پرتو حق‌پرستی به یگانگی نمی‌رسند. قرآن کریم در سوره مبارکه زمر آیه ۲۹ تفرّق و تشتّت شخصیت انسان و سرگردانی او و بی‌جهتی او را در نظام شرک و متقابلاً یگانگی و به وحدت رسیدن و یک جهت شدن و در مسیر تکامل واقع شدن او را در نظام توحیدی چنین بیان می‌کند: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا﴾؛ خدا مثلی می‌آورد؛ مثل مردی که بنده چند فرد بدخوی ناسازگار است (که هر کدام با خشونت و بدخویی او را به سویی فرمان می‌دهند) و مردی دیگر که تسلیم یک فرد است. آیا این دو مانند یکدیگرند؟<sup>۳</sup> به نظر مطهری، جامعه اسلامی جامعه‌ای طبیعی است که رابطه انسان‌ها در آن رابطه «تسخیر متقابل» است که همه آزادانه و در حدود امکانات و استعدادهای خود می‌کوشند تا نیازهای یکدیگر را رفع کنند؛ یعنی استخدام طرفینی حکم‌فرماست. بدیهی است به حکم اینکه تفاوت طبیعی و اختلاف طبیعی میان افراد حکم‌فرماست، کسی که نیرو و استعداد بیشتری

۱. آل عمران (۳): ۶۴.

۲. مطهری، مرتضی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۱۷.

دارد، بیشتر نیروها را به سوی خود جذب می‌کند.<sup>۱</sup> رابطه تسخیری در عین اینکه نیازهای طبیعی انسان‌ها را به یکدیگر پیوند داده است، جامعه را از صورت میدان مسابقه آزاد خارج نکرده و اجتماع انسان‌ها را میدان مسابقه‌ای برای پیشروی و تکامل قرار داده است که اگر فرد و جامعه در جهت خداپرستی و یگانگی قدم بردارند و از هواهای نفسانی، خودپرستی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و ... پرهیز کنند، می‌توانند به تکامل حقیقی دست یابند.<sup>۲</sup>

مسئله مهم این است که آیا اصالت با توحید عملی فردی است یا با توحید عملی جامعه؟ مطهری در بخشی از کتاب خود به نام «هدف نبوت‌ها و بعثت‌ها» به این موضوع می‌پردازد و معتقد است این دو موضوع در طول یکدیگرند؛ به طوری که توحید جامعه مترتب بر افراد است و افراد متأثر از جامعه. لذا هدف اصلی، شناختن خدا و نزدیک شدن و رسیدن به اوست و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، با اینکه مقدمه و وسیله وصول به ارزش اصیل و یگانه انسان، یعنی خداشناسی و خداپرستی، هستند، ولی فاقد ارزش ذاتی نیستند.<sup>۳</sup>

### ♦ مراتب شرک

همان‌طور که توحید مراتبی داشت، شرک نیز مراتبی دارد. مطهری چهار نوع شرک نام می‌برد:

۱. شرک ذاتی: مثل برخی از اقوام و مللی که قائل به ثنویت یا ثالثیت هستند.
۲. شرک در خالقیت: کسانی که در خلقت خدایان دیگری را شریک می‌دانند؛ مثل کسانی که شرور را به خدای بدی‌ها نسبت می‌دهند.<sup>۴</sup>
۳. شرک در صفات: کسی که معتقد به صفات زائد بر ذات خدا شود، مستلزم نوعی شرک است؛ همان‌طور که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: اگر کسی خدای را متصف به

۱. همان، ص ۱۱۴.

۲. همان، ص ۱۱۶.

۳. همان، ص ۱۷۸.

۴. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی توحیدی، ص ۱۰۹.

صفات زاید کند، چیزی را قرین ذات او کرده و کسی که چیزی را قرین ذات حق کند، او را دوگانه می‌کند و کسی که او را دوگانه فرض کند، او را جزء جزء می‌کند و کسی که او را تجزیه کند، در حقیقت او را نشناخته است.<sup>۱</sup>

۴. **شرک در پرستش:** این شرک عملی است و در میان برخی از ملل در مرحله پرستش، چوب، سنگ، فلز و ... را می‌پرستیدند. این نوع شرک فراوان وجود داشته و هنوز هم در گوشه و کنار جهان یافت می‌شود. این شرک، شرک در پرستش است و نقطه مقابل توحید در عبادت است که از نظر قرآن تمام شرک‌ها مردود و ناپسند است.<sup>۲</sup>

مطهری می‌گوید: «سایر مراتب شرک که در بالا گفته شد، شرک نظری و از نوع شناخت دروغین است، اما این نوع شرک، شرک عملی و از نوع «بودن» و «شدن» دروغین است». وی با بیان اینکه البته شرک عملی نیز مراتبی دارد، می‌گوید: بالاترین مراتبش که سبب خروج از حوزه اسلام است، همان است که گفته شد و شرک جلی خوانده می‌شود، اما انواع شرک خفی وجود دارد که اسلام در برنامه توحید عملی با آنها سخت مبارزه می‌کند و بعضی از شرک‌ها آن اندازه ریز و پنهان است که با ذره‌بین‌های بسیار قوی نیز به زحمت قابل دیدن است. در حدیث است از رسول اکرم ﷺ: «الشَّركُ أخطرُ من دبيب الدَّرن على الصَّفا في اللَّيلة الظَّلماء؛ شرک (راه یافتن شرک) مخفی‌تر است از رفتن مورچه بر سنگ صاف در شب تاریک».<sup>۳</sup>

#### ♦ مرز توحید و شرک

مطهری با طرح این پرسش که مرز دقیق توحید و شرک، چه توحید و شرک نظری و چه عملی، چیست و چه نوع اندیشه و عملی توحیدی و چه نوع اندیشه و

۱. نهج البلاغه، خطبه اول، ص ۷۰.

۲. تهرانی، سید محمدحسین، الله‌شناسی، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. مطهری، مرتضی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۹.

عملی شرکی است، به مؤثر بودن برخی از اسباب اشاره می‌کند و می‌گوید: اعتقاد به تأثیر و سببیت و نقش داشتن مخلوقات در نظام جهان نیز - با توجه به اینکه همان طور که موجودات استقلال در ذات ندارند استقلال در تأثیر نیز ندارند و موجودند به وجود او و به تأثیر او مؤثرند - شرک در خالقیت نیست، بلکه متمم و مکمل اعتقاد به خالقیت خداوند است. البته اگر برای تأثیرگذاری مخلوقات، استقلال و تفویض قائل بشویم، قطعاً شرک است.

مطهری جهان را عین ارتباط و وابستگی و عین «از اویی» می‌داند و از این رو تأثیر و سببیت اشیا را عین تأثیر و سببیت خداوند می‌داند.<sup>۱</sup> وی حقیقت مرز توحید و شرک را در رابطه خدا و انسان و جهان، «از اویی» و «به سوی اویی» می‌داند و می‌گوید: مرز توحید و شرک در توحید نظری «از اویی» است (اَنَا لِلَّهِ). هر حقیقتی و هر موجودی، مادامی که او را در ذات و صفات و افعال، با خصلت و هویت «از اویی» بشناسیم، او را درست و مطابق با واقع و با دید توحیدی شناخته‌ایم، خواه آن شیء دارای یک اثر یا چند اثر باشد یا نباشد و خواه آنکه آن آثار جنبه مافوق الطبیعی داشته باشد یا نداشته باشد؛ زیرا خدا تنها خدای ماوراء الطبیعه، خدای آسمان، خدای ملکوت و جبروت نیست، بلکه خدای همه جهان است. مرز توحید و شرک در توحید عملی «به سوی اویی» است (اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ). توجه به هر موجود، اعم از توجه ظاهری و معنوی، هر گاه به صورت توجه به یک راه برای رفتن به سوی حق باشد و نه یک مقصد، توجه به خداست. از نظر اسلام، همچنان که کار خود را باید برای خدا کرد، کار خلق را نیز باید برای خدا کرد و راه، راه خداست و بس، و مقصد خداست، نه چیز دیگر، اما راه خدا از میان خلق می‌گذرد. کار برای خود کردن نفس پرستی است و کار برای خلق کردن، بت پرستی است، کار برای خدا و برای خلق کردن شرک و دوگانه پرستی

۱. همو، جهان بینی توحیدی، ص ۷۱.

است، کار خود و کار خلق برای خدا کردن، توحید و خداپرستی است.<sup>۱</sup> بنابراین، لازم است هر کاری که انسان موحد انجام می‌دهد، ابتدای آن به نام خدا و انتهای آن نیز به یاد او باشد و هیچ کاری را بدون نام خدا شروع نکند و از هیچ عملی بدون یاد حق خارج نشود و معنای نام و یاد خدا در آغاز و انجام هر کار، حضور اعتقاد توحیدی او در متن عمل و توجه به شهود خداوندی در صحنه کار است.<sup>۲</sup>

### ♦ نتیجه

مطهری و سید قطب، در تعریف و اقسام توحید و شرک، نظر مشترکی دارند. سید قطب به توحید از دو منظر عقیده و عمل می‌نگرد و توحید در عقیده را به دو قسم ذاتی و صفاتی، و توحید عملی را نیز به دو قسم فاعلی و عبادی تقسیم می‌کند و آنچه برای وی بسیار اهمیت دارد، توحید در حاکمیت است که پیونددهنده توحید عقیده به عمل است، بدین معنا که چون توحید الوهی است، باید حاکم نیز واحد باشد و اطاعت و بندگی هم فقط باید برای او باشد. وی که عمل‌گرایی در اسلام را رکن و پایه حقیقت توحید می‌داند، اطاعت از حاکم و طاغوت را شرک جلی می‌پندارد و پیروان را کافر می‌شمرد. مطهری نیز چون سید قطب اطاعت از طاغوت یا انسان‌ها را به عنوان «رب»، نوعی شرک می‌داند،<sup>۳</sup> ولی چون جامعه اسلامی را جامعه طبیعی می‌داند و رابطه انسان‌ها را در آن تسخیر طرفینی می‌خواند، حاکم و محکوم بودن انسان‌ها در آن طبیعی است و اطاعت از یکدیگر، اگر در جهت رسیدن به هدف مشترک که همان یگانه‌پرستی و رسیدن به تکامل حقیقی است باشد، شرک نیست. وی معیار توحید و شرک را در توحید نظری «از اویی» و در توحید عملی «به سوی اویی» تفسیر می‌کند و اطاعت از حاکم را رابطه تسخیر طرفینی می‌داند و فقط شرک جلی را مستحق کفر می‌داند که از توضیحات وی، افراط‌گرایی‌های سید قطب در حقیقت توحید روشن می‌شود.

۱. همو، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۵.

۲. جوادی آملی، عبدالله، سرچشمه اندیشه، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳. مطهری، مرتضی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۱.

## ◆ منابع

۱. ابن اثیر، ابوالحسن، **النهاية في غريب الحديث**، بيروت: مكتبة العلمية، ۱۳۹۹.
۲. ابن تیمیة، احمد بن عبدالحلیم، **الفتاوى الكبرى**، دار الکتب العلمیة، بی جا، ۱۹۸۷.
۳. \_\_\_\_\_، **مجموعۃ التوحید**، دار الفکر، بی تا.
۴. \_\_\_\_\_، **درء التعارض بین العقل و النقل**، مدینة: نشر دانشگاه محمد بن سعود، ۱۴۱۱.
۵. ابن منظور، جمال الدین، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴.
۶. احمد، عبد المجید، «سید قطب بین مؤیدیه و معارضیه»، بی جا، بی تا.
۷. بن باز، عبد الله، **مجموعه فتاوی**، موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، موجود در: [www.alifta.com](http://www.alifta.com).
۸. اسپوزیتو، جان ال.، **دایرة المعارف نوین جهان اسلام**، تحقیق: حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۸.
۹. جوادى آملی، عبدالله، **تسنیم**، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۹.
۱۰. \_\_\_\_\_، **رحیق مختوم**، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۶.
۱۱. \_\_\_\_\_، **سرچشمه اندیشه**، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۴.
۱۲. \_\_\_\_\_، **مبانی اخلاق در قرآن**، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۶.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات في غريب القرآن**، بیروت: دار القلم؛ دمشق: الدار الشامیة، ۱۴۱۳.
۱۴. سبحانی، جعفر، **مرزهای توحید و شرک**، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۵.
۱۵. \_\_\_\_\_، **سیمای عقاید شیعه**، ترجمه: جواد محدثی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۱۶. \_\_\_\_\_، **آیین و هابیت**، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
۱۷. سید قطب، **فی ظلال القرآن**، بیروت. قاهره: دار الشروق، الطبعة السابعة، ۱۴۱۲.
۱۸. \_\_\_\_\_، **معالم فی الطريق**، قاهره: الاتحاد الاسلامی العالمی، بی تا.
۱۹. \_\_\_\_\_، **تفسیر فی الظلال القرآن**، ترجمه: مصطفی خرم دل، تهران: احسان، ۱۳۶۲.
۲۰. \_\_\_\_\_، **خصائص التصور الاسلامی و مقوماته**، بی جا: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲.
۲۱. \_\_\_\_\_، **مبانی تفکر اسلامی**، تهران: احسان، ۱۳۸۷.
۲۲. \_\_\_\_\_، **ویژگی های ایدئولوژی اسلام**، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران: بی نا، ۱۳۶۷.
۲۳. تهرانی، سید محمدحسین: **الله شناسی**، قم: نشر علامه طباطبائی، ۱۴۲۳.
۲۴. طباطبائی، سید محمدحسین: **تفسیر المیزان**، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۲۵. فالح، عامر عبد الله، **معجم الفاظ العقیده**، ریاض: نشر عیبکان، ۲۰۰۰.
۲۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **قاموس المحيط**، بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثامنة، ۱۴۲۶.
۲۷. فیض الاسلام، سید علینقی، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، تهران: فیض، ۱۳۵۱.
۲۸. زینو، محمد بن جمیل، **منهاج الفرقه الناجیه**، بی جا: بی نا، بی تا.

۲۹. مدخلی، ربیع، *أضواء إسلامية على عقيدة سيد قطب وفكره*، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۳.
۳۰. مطهری، مرتضی، *توحید*، تهران: صدرا، ۱۳۸۴.
۳۱. \_\_\_\_\_، *جهان‌بینی اسلامی*، تهران: صدرا، ۱۳۸۷.
۳۲. \_\_\_\_\_، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.
۳۳. نزار آل‌سنبل قطیفی، *توحید العبادة: بحث تحليلي في مفهوم العبادة والتوحيد و ما يتصل بهما*، قم: نشر الزهراء الاسلامی، ۲۰۱۱.